

## سبک‌شناسی لایه‌ای گلستان سعدی در دو لایه کاربردشناسی و نحوی

### شعله دستغیب

دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی، واحد بوشهر، دانشگاه آزاد اسلامی، بوشهر، ایران

### دکتر شمس‌الحاجیه اردلانی<sup>۱</sup>

استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد بوشهر، دانشگاه آزاد اسلامی، بوشهر، ایران

### دکتر سید محمود سیدصادقی

استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد بوشهر، دانشگاه آزاد اسلامی، بوشهر، ایران

(تاریخ دریافت ۹۶/۶/۵ تاریخ پذیرش ۹۷/۲/۲)

### چکیده

سبک‌شناسی لایه‌ای با تحلیل بافتی معین که به وسیله شخصی معین آفریده شده، در پنج لایه نحوی، واژگانی، آوایی، بلاغی و کاربردشناسی صورت می‌گیرد. پیش از این، براساس سبک‌شناسی بهار تحلیل‌های بسیاری در آثار بزرگ ادبی از جمله گلستان سعدی صورت گرفته، در این پژوهش به شیوه تحلیلی-توصیفی به شیوه آنچه «محمود فتوحی» در سبک-شناسی خود آورده، تحلیل و بررسی دولایه نحوی و کاربردشناسی گلستان انجام گرفته است. بر همین اساس ضمن تحلیل ساختار نحوی و کاربردشناسی و ارائه جدول آماری به شیوه استنباطی، سهم موفقیت سعدی و کارکرد کلام او در لایه‌های یاد شده، هم چنین سبک فردی وی و ارتباط با بافت بیرونی کلام او، بررسی شده است. نتایج نشان می‌دهد، سعدی نگرشی اجتماعی با دیدگاهی اصلاح‌گرایانه و زبانی مردمی، سازنده و مؤدبانه دارد. جملات هسته‌ای گویای صراحت و بیان مستقیم وی است سعدی از جملات خوشه‌ای به قصد انتقال پیام سریع‌تر و صریح‌تر به مخاطب کمتر بهره برده است.

واژگان کلیدی: «سبک‌شناسی لایه‌ای»، «گلستان»، «سبک»، «سبک شخصی»، «ساختار نحوی».

<sup>۱</sup> . ardalani\_sh@yahoo.com

## ۱- درآمد: بیان مسأله و ضرورت طرح آن

از دیرباز پژوهشگران تلاش خود را بر شناخت گونه‌های ظاهری، کلام معطوف می‌نمودند و با تکیه بر ویژگی‌های ظاهری سعی در تحلیل سبک افراد و آثار ادبی داشتند. «چنین روشی نمی‌تواند میان محتوا و عوامل بیرونی متن با سبک پیوند برقرار سازد و تحلیل سبک به ارائه چند نمونه برجسته‌سازی نحوی و بلاغی و... محدود می‌شود و فراتر از این عمل نمی‌کند و پژوهش‌های سبک‌شناسیک در بهترین صورت به کارهای خشک مکانیکی بدل می‌شود.» (فتوحی، ۱۳۹۰: ۲۶) سبک‌شناسی در تحلیل و بازخوانی متون نقش بسزایی دارد، با این حال، در پژوهش‌های فارسی جای خالی آن به شدت حس می‌شود و علیرغم ضرورت پرداختن به آن، توجه چندانی به این شاخه صورت نگرفته بر همین اساس، در این پژوهش با رویکرد تحلیل گفتمان، سبک گلستان در دو لایه نحوی و کاربردشناسی بررسی می‌گردد. ویژگی‌های سبکی حکایات را در ارتباط با بافت بیرونی اثر بررسی کرده و به نقش یا کارکرد این ویژگی‌ها در لایه‌های مذکور می‌پردازد.

در سبک‌شناسی سنتی، جمله و ویژگی‌های آن اساس است و به ارتباط میان ویژگی‌های سبکی با بافت متن و کارکرد یا نقش ویژگی‌های سبکی بی‌توجه مانده است. در حالی که این پژوهش با قراردادن متن در بافت بیرونی به ویژگی‌های سبکی توجه می‌کند. این بدان معنی است که نه تنها متن باید مورد توجه و تحلیل قرار گیرد بلکه بافت موقعیتی متن نیز مورد توجه قرار می‌گیرد.

پژوهش حاضر به پرسش‌های زیر پاسخ داده می‌شود:

- ۱- کاربردشناسی سخن در گلستان سعدی (معنای کلام و وی برای مخاطب در بافت و موقعیتی که به کار برده است). دارای چه وضعیتی است؟
- ۲- بافت کلام و تأثیر آن در ساختمان جمله‌ها، روابط واژه‌ها بایک دیگر و دستورمندی واژگان چگونه است؟

## ۱-۱ پیشینه تحقیق و روش پژوهش

تاکنون پژوهشی که با رویکرد تحلیل لایه‌ای در بعد نحوی و کاربردشناسی در گلستان سعدی صورت نگرفته است. در این پژوهش سبک‌شناسی لایه‌ای به روش توصیفی-تحلیلی صورت می‌گیرد و به شیوه آنچه محمود فتوحی در کتاب رویکردها و نظریه‌های سبک‌شناسی لایه‌ای بدان پرداخته، انجام می‌گردد.

سبک‌شناسی محمود فتوحی جزو اولین پژوهش‌های مرتبط با پژوهش حاضر است. در این کتاب، ابعاد پنج لایه سبک‌شناسی با رویکردهای مختلف به تفصیل بیان شده. نویسنده به نظریه‌های کاربردشناسی و مواردی چون: انواع کنش‌های گفتاری، بیان مؤدبانه و گفتار مستقیم و غیرمستقیم و در نظریه‌های نحوی، به صدای دستوری موجود در متن، ساختمان جملات، معلوم و مجهول بودن، درجه قطعیت یا تردید در متن و ساخت‌های وجهی پرداخته است.

مبنای نظری در این پژوهش با این پرسش آغاز می‌گردد که چرا با رویکرد تحلیل متن ویژگی‌های سبکی گلستان را بررسی می‌کنیم؟ و این تحلیل چه کمکی به شناخت دیدگاه‌های نویسنده می‌کند؟ و چگونه می‌توان جهان بینی سعدی را از میان لایه‌های موجود در متن شناسایی کرد؟

## ۱-۲ تبیین روش

در این پژوهش با استفاده از تحلیل گلستان که متشکل از حکایات، طرح‌واره‌ها و مقامات است، در دو لایه کاربردشناسی و نحوی مورد بررسی قرار خواهد گرفت. در درون این بافت موقعیتی، در لایه کاربردشناسی، موقعیت متن شامل نگرش نویسنده، مقام و موقعیت اجتماعی و علمی او، مخاطب یا مخاطبان، مقام و موقعیت اجتماعی و سیاسی آنها و نقش و کارکرد گلستان در جامعه و در لایه نحوی با سنجش میزان قطعیت متن با طرح متغیرهای وجه، ساخت‌های معلوم و مجهول، افعال ربطی صریح، افعال شناختی قطعی و تردیدی بررسی می‌گردد. که بر همین اساس، گزینش شاخص‌های بخصوصی را می‌طلبد. طبق نظر لیچ و اصل انتخاب او، برخی ویژگی‌ها را مدنظر قرار گرفته و از دیگر شاخص‌ها صرف نظر شده است.

«در روش کاربردی تحلیل سبک باید برخی از ویژگی‌ها را مدنظر قرار دهد و از دیگر شاخص‌ها صرف نظر کند. واضح است که تحلیل سبکی باید خیلی گزینشی عمل کند؛ برخی از مطالعات سبک‌شناسی فقط بر یک ویژگی تمرکز می‌کنند و برخی بر چند ویژگی دیگر.» (لیچ، ۱۹۸۱: ۶۹)

فتوحی همانند لیچ کاربردشناسی را به مطالعه معنی در ارتباط با موقعیت کلام تعریف می‌کند. «پیام بی‌تردید متأثر از بافت اجتماعی است و در شکل‌گیری و دریافت آن تاثیر دارد. پس پرداختن به بافت و موقعیت کلام تا حدی که ممکن باشد، ضروری به نظر می‌رسد.» (فتوحی، ۱۳۹۰: ۲۲۳)

**موقعیت متن:** در این بخش آنچه به عنوان موقعیت متن در نظر گرفته می‌شود، موارد زیر است: «مقام و موقعیت نویسنده و مخاطب و درجه و اعتبار علمی هر دو، شرایط زمانی و مکانی که گلستان در آن آفرینش شده است و هدفی که نویسنده از این کار دنبال می‌کرده است. از نظر فرمالیست‌ها نیز هر بحث دارای سبک و تکنیک است و هنر چگونه گفتن از چه گفتن مهم‌تر است.» (شمیسا، ۱۳۸۱: ۲۵۵۳)

### تحلیل گلستان با رویکرد سبک‌شناسی لایه نحوی

آن چه با بسامد بالا در گلستان در مبحث جمله‌بندی و کاربرد نقش‌های موجود در جمله، پیام، محتوای افعال و زمان آن‌ها در جملات گلستان به کار رفته، موجد سبک سعدی در حیطه نحو می‌گردد. «صورت‌های زبانی خارج از چارچوب و قواعد دستور زبان در حکم واحدهای زبانی منفردی هستند که بدون ترکیب و هم‌نشینی در ساختی بزرگتر به نام جمله، قابلیت انتقال مفاهیم را ندارند؛ از این رو ساختار نحوی جملات، در پیدایی سبک فردی نقش تعیین‌کننده-ای دارد.» (نامور مطلق، ۱۳۹۴: ۳) درصد واژگان به کار رفته در یک متن، بلندی و کوتاهی عبارت، پیوند جمله‌ها و نحوه ارتباطشان با یکدیگر و... موجد گونه‌های مختلفی از سبک می‌گردند و کارکرد هر یک از شاخص‌های یاد شده به همراه بسامد بالای آنها در یک اثر ادبی سبک یا به اصطلاح «نحو نشاندار» یک نویسنده یا گوینده را شکل می‌دهد. که در مقابل نحو معیار قرار

می‌گیرد و مقصود از آن ساخت‌های دستوری و نگارشی خاص هر سخنگوی زبان است.»  
(مقیاسی، ۱۳۹۳: ۵۳)

در زبان فارسی هر یک از ارکان جایگاه خاصی دارند و جملات به واسطه نوع فعل به اجزای کمتر یا بیشتری تقسیم می‌شوند و میزان جذابیت، ارزش، مقبولیت و محبوبیت یک متن تا حدود زیادی به ساختمان کلام و روابط اجزای جمله با یکدیگر بستگی دارد. در گلستان ساختمان نحوی کلام غالباً براساس زبان معیار تنظیم گشته است. برای بررسی این مبحث، به سراغ دیباچه رفته و در دو جدول جداگانه مجموع افعال، زمان فعل‌ها (ماضی، مضارع، آینده) و مدالیت‌ها (افعال اخباری، التزامی، امری) و نوع افعال و ساختمان جملات (هسته‌ای و خوشه‌ای) ارائه و معرفی می‌گردند.

«از دیگر عناصری که در لایه نحوی سبک بررسی می‌گردد؛ ساختمان افعال در متون ادبی است که در اصطلاح به آن «صدای دستوری» گفته می‌شود. «صدای دستوری عبارت است از رابطه میان رخداد یا حالت فعل با دیگر شرکت کنندگان در آفرینش فعلی (نهاد، مفعول، مسند و ...). صدای دستوری در کنار دیگر وجوه فعل مانند زمان، نمود و جهت و حالت شناخته می‌شوند.» (فتوحی، ۱۳۹۱: ۲۹۵)

### توزیع فراوانی ساخت‌های معلوم و مجهول

از نظر سیمپسون بسامد بالای ساخت معلوم افعال، نشانگر قطعی بودن عمل و باور نویسنده در بیان نظرات خود است. «ساخت‌های معلوم افعال؛ مانند: بود، شد، هست و نیست، قطعی بودن عمل و اعتماد بالای نویسنده در باب موضوع را نشان می‌دهد و ایمان و باوری که نویسنده در بیان نظرات خود دارد، نشان می‌دهد.» (سیمپسون، ۱۹۹۳: ۴۹)

## جدول توزیع فراوانی افعال معلوم و مجهول در گلستان

کل بندها	مجهول	معلوم
۵۹۱۹	۵۵	۵۸۶۴
	۰/۹۲	۹۹/۰۷

همان‌گونه که از جدول فوق مشاهده می‌شود، بسامد افعال مجهول درصد بسیار ناچیزی را به خود اختصاص داده که این نکته به درجه بالای قطعیت متن اشاره دارد. متنی که با بسامد بالای جملات معلوم تولید شود، دارای «صدای فعال» و متنی که بسامد بالایی از جملات مجهول را دارا باشد، «صدای منفعل» دارد. گلستان طبق جدول فراوانی بالای صدای فعال کاربرد دارد.

## توزیع فراوانی افعال صریح و تردیدی

درصد فراوانی کاربرد افعال ربطی صریح و تردیدی در گلستان به شرح زیر است. «بسامد بالای افعال صریح نشانگر صراحت نویسنده و اعتماد او به بیان عبارت و پیام است؛ یعنی در بیان اعتقاد خود راسخ است و تردیدی در نگرش خود در باب مطلب ندارد.» (فتوحی، ۱۳۸۸: ۲۰۱)

سعیدی ساخت‌های پرسشی که درجه قطعیت متن را پایین می‌آورد به قصد تأکید بیشتر به کار می‌برد نه از موضع احتمال؛ مانند:

از دست و زبان که برآید؟ کز عهده شکرش به درآید؟

(دیباچه: ۲۸)

یعنی از دست و زبان کسی بر نمی‌آید که خود نوعی قطعیت با زبان زیرکانه است. یا در جای دیگر:

گر کسی وصف او زمن پرسد بی دل از بی نشان چه گوید باز؟

(همان: ۲۹)

یعنی نمی‌تواند وصف او را بازگو کند.

ای که هرگز فرامشت نکنم هیچت از بنده یاد می‌آید؟

(باب دوم: ۷۱)

یعنی ای کاش که مرا فراموش نکنی و همیشه مرا به یاد داشته باشی. در برخی جملات پرسشی، تاکید بر نفی را در نظر دارد:

ترا کی میسر شود این مقام که با دوستانت خلافت و جنگ

(همان: ۷۱)

یعنی هرگز این مقام برای تو میسر نخواهد شد. یا:

شنیدستی که گاوی در علفزار بیلاید همه گاوان ده را؟

(همان: ۷۳)

یعنی شک نکن که چنین می‌شود و گاوان همگی بیمار می‌شوند.

این گونه است فعل‌های منفی او:

ترسم نرسی به کعبه‌ای اعرابی کاین ره که تو می‌روی به ترکستانست

(همان: ۷۳)

«ترسم نرسی» یعنی شک ندارم که نمی‌رسی و هم‌چنین است. بنابراین در زیر ظاهر افعال، مفاهیم دیگری گنجانده شده است.

جدول توزیع فراوانی افعال صریح و تردیدی

مجموع افعال	متفرقه	افعال ربطی تردیدی	افعال ربطی صریح
۵۹۱۹	۲۸۰۸	۳۱	۳۰۷۹
	۴۷/۴۴	۰/۵۲	۵۲/۰۱

#### توزیع فراوانی افعال شناختی قطعی و تردیدی

افعال وجهی به دودسته تقسیم می‌گردند: ۱- افعال مربوط به بینش و ادراک هم‌چون: عقیده داشتن، درک کردن، دریافتن و فهمیدن. ۲- افعالی که بیانگر عدم شناخت کامل هستند؛ هم‌چون: خیال کردن، تصورکردن، حدس زدن و پنداشتن.

همان‌گونه که از جدول فراوانی افعال شناختی در گلستان برمی‌آید، غلبه با افعال شناختی قطعی است و این قطعیت اعتماد نویسنده در باب قطعیت حوادث را نشان می‌دهد.

مجموع افعال	متفرقه	افعال شناختی تردیدی	افعال شناختی قطعی
۵۹۱۹	۳۳۴۱	۳۹	۲۵۳۹
	۵۶/۴۴	۰/۶۵	۴۲/۸۹

افعال وجهی شناختی که بیانگر عدم شناخت کامل گوینده هستند دارای درجه بسیار پایینی است و درجه قطعیت متن به واسطه کاربرد افعال وجهی شناختی بالا است. افعال شناختی قطعی درصد بالایی از میان افعال شناختی را در گلستان به خود اختصاص داده است. سیستم افعال وجهی شناختی قطعی، بینش و ادراک کامل سعدی را در خصوص ابعاد مسأله و نظریه پردازی او در باب موارد مختلف در گلستان بیان می‌دارد.

کل بندها	مدالیته التزامی			مدالیته امری	مدالیته اخباری
۵۹۱	دعایی	تردید	شرطی	۲۴۳	۵۵۷۰
	۵۲	۴۸	۱۰۶		
	۰/۸۷	۰/۸۱	۱/۷۹	۴/۱۰	۹۴/۱۰

وجوه بالای اخباری که درصد جملات را در برمی‌گیرد بیانگر قطعیت بالای متن است اما وجوه امری و التزامی با بسامد پایین، موضع ضعف پایین متن را نشان می‌دهد. سعدی در بیان واقعیت‌های زندگی، کمترین شک و تردیدی ندارد و کاملاً به آن چه می‌گوید، ایمان دارد. جملات کوتاه و عبارات ساده یا کثرت جملات هسته‌ای با ۹۳/۸۸ درصد بیانگر سرعت بالای متن و تلاش نویسنده در ادای پیام و ابلاغ آن به مخاطبان است و بدین معنا است که دریافت و درک مخاطب با هر درجه از اعتبار و جایگاه در اولویت است.

### ساختمان جملات

بزرگترین واحد زبان فارسی، جمله گفته می‌شود که از یک بند یا بیشتر ساخته شده باشد. «جمله فارسی بر دو گونه است: هسته‌ای و خوشه‌ای.



«جمله هسته‌ای از یک هسته مرکزی تشکیل شده که وجود آن اجباری است و تعدادی وابسته که وجود آنها اختیاری است و جمله خوشه‌ای از اجتماع جمله‌های هسته‌ای تشکیل می‌شود و هر کدام از هسته‌ها می‌توانند وابسته‌هایی داشته باشند. حداقل یک جمله خوشه‌ای دو جمله هسته‌ای است که یکی از آنها الزاماً باید دارای وابسته باشد.» (باطنی، ۱۳۶۸: ۷۱-۶۰)

ساختمان جملات در گلستان. به دو گونه هسته‌ای و خوشه‌ای تقسیم می‌گردد. در زیر درصد فراوانی جملات در گلستان نشان داده شده است.

مجموع جملات	خوشه‌ای	هسته‌ای
۳۸۹۱	۲۳۸	۳۶۵۳
	۶/۱۱	۹۳/۸۸

صدای دستوری از دل و زبان و از لایه‌های درونی روابط واژگان در جمله بیرون می‌آید که موضع نویسنده و نگرش وی را درباره موضوع می‌توان از کیفیت صدای دستوری او بازشناخت. صدای ایستا و پویا برای عمل فعل در گذشته یا حال است. «هرگاه یک عمل برای یک فاعل در یک محدوده زمانی معین انجام شده و خاتمه یافته باشد؛ مانند: فعل لحظه افتادن در جمله «سیب از شاخه افتاد.» اما صدای دینامیک آن است که تداوم رخ دادن یک فرایند را بیان می‌کند؛ مانند: جوشیدن در جمله «سماوری می‌جوشد.» صدای دستوری از دل زبان و از لایه‌های درونی روابط واژگان در جمله بیرون می‌آید.» (فتوحی، ۱۳۹۰: ۳۰۱) مانند: «پادشاهی با غلامی عجمی در کشتی نشست و غلام دیگر دریا را ندیده بود و محنت کشتی نیازموده، گریه و زاری در نهاد و لرزه بر اندامش اوفتاد، چندان که ملاحظت کردند، آرام نمی‌گرفت و عیش ملک از او منغض بود. چاره ندانستند حکیمی در آن کشتی بود.» (باب اول: ۴۵)

صدای دستوری گلستان ایستاست چرا که سعدی بیشتر از حکایاتی سخن می‌گوید که در گذشته روی داده و تمام شده‌اند. در مقابل، صدای پویا، حدود ۱۴٪ کل جملات را به خود اختصاص داده است.

### تحلیل گلستان با رویکرد سبک شناسی لایه کاربردشناسی

در درون بافت موقعیتی مذکور بررسی، مؤلفه‌های «کنش‌های گفتاری»، «بیان غیرمستقیم» و «اصول ادب» بر اساس نظریه مطرح در کاربردشناسی زبان الزامی است. به نظر سرل سخن گفتن واردشدن در نوعی فعالیت قاعده‌مند است. (سرل، ۱۳۶۹: ۲۲) سپس با بسط این نظریه، می‌گوید وقتی که گفته‌ای بیان می‌گردد، همزمان چهارکنش صورت می‌گیرد که عبارتند از: گفتن، گزاره‌ای، منظوری و تأثیری. وی سپس کنش‌های گفتاری را به شرح زیر دسته‌بندی می‌کند. (همان: ۶۷-۵۷)

۱- **کنش‌های تصریحی یا اظهاری:** «برای بیان یک واقعه یا گزارش از یک فرایند هدف غیربیانی این کنش، توصیف حالتی یا حادثه‌ای است. گوینده عقیده خود را درباره صحت و سقم مطلبی اظهار می‌دارد. این کنش تعهد گوینده را نسبت به صدق گزاره مطرح شده، نشان می‌دهد.

۲- **کنش‌های ترغیبی:** برای بیان تقاضا، صدور دستور، ارائه پیشنهاد یا طرح پرسش است. هدف غیر بیانی (منظوری) این کنش ترغیب مخاطب برای انجام کاری و قرار دادن شنونده در حالت تکلیف و اجبار برای انجام عملی است؛ یعنی گوینده می‌خواهد شنونده کاری را انجام دهد.

۳- **کنش‌های عاطفی:** برای بیان احساسات، نگرش و ذهنیت افراد نسبت به وقایع است.

۴- **کنش تعهدی:** برای بیان تعهد گوینده نسبت به تحقق عملی در آینده است.

۵- **کنش اعلامی:** برای نام‌گذاری یک واقعه و اعلام یک رخداد است. (قوام، درپر، ۱۳۹۰: ۷۵) «هدف غیربیانی کنش اعلامی، اعلام شرایط تازه‌ای برای مخاطب است. گوینده بواسطه اعلام‌هایش بر جهان تغییرات واقعی ایجاد می‌نماید.» (پهلوان‌نژاد، ۱۳۸۷: ۲۳) این کنش همزمان دارای دو جهت انطباقی بین زبان و جهان است.

این تقسیم‌بندی جهت تحلیل و بررسی بیان مؤثر در گفتار و نوشتار اهمیت دارد و در سبک‌شناسی لایه‌ای میزان بسامد کنش‌های گفتاری بیانگر نحوه ارتباط نویسنده با مخاطب است؛ یعنی از سویی این حکایت و مقامه‌ها، گونه‌ای از عقیده سعدی در تأیید یا رد این اتفاقات و مجراهاست و جهان‌بینی و ایدئولوژی وی را نسبت به حوادث و حکایاتی که روایت شده، نشان می‌دهد. سعدی تلاش دارد که به گونه‌ای طبیعی همانند فردی از درون جامعه حقایق و باید نبایدهای زندگی را بازگو می‌کند و نه به عنوان یک خطیب یا مصلح اجتماعی. و درکسوت یک دانش آموخته نظامیه و هم‌چون روانشناس و مشاور این کار را کرده است. در درجه دوم کنش‌های اظهاری قرار گرفته که در این کنش، گوینده اعتقاد خود را در باب صحت و سقم آن مطلب اظهار می‌کند. درکنش‌های ترغیبی شاهد بیان تقاضا، صدور دستور، ارائه پیشنهاد و یا طرح پرسش هستیم.

بیشترین بسامد کنش‌ها ابتدا به کنش عاطفی با ۹۸٪ سپس کنش اظهاری با ۷۴/۴۱ درصد تعلق دارد که نشانگر این است که ذهنیت سعدی در بیان وقایع و رویدادهایی در قالب حکایت‌ها و طرح و مقامه‌ها مطرح می‌شود، نمود یافته است.

کنش اعلامی که اعلام شرایط تازه را از سوی گوینده برای مخاطب تعیین می‌کند، در گلستان ۶۳٪ کاربرد داشته و این نکته بیانگر آن است که سعدی از موضع قدرت سخن نگفته و خود را واجد شرایط اعلام شرایط و موقعیت جدید خواننده نمی‌داند. کمترین کنش گفتاری او، کنش تعهدی است. سعدی در مقابل مخاطب متعهد است چرا که گلستان را آفریده، اما در جملاتش حداقل کنش‌های گفتاری تعهدی را به کار بسته است. درکنش تعهدی، گوینده سوگند یاد می‌کند که کاری را در آینده انجام دهد. درکنش گفتاری او، می‌توان فهمید که او ابتدا از موضع قدرت سخن نگفته و مخاطب را در موضع وجوب و الزام در آینده، قرار نداده است. در زیر جدول فراوانی کنش‌های گفتاری در گلستان ارائه گردیده است.

کنش‌های گفتاری عاطفی	کنش‌های گفتاری تعهدی	کنش‌های گفتاری اعلامی	کنش‌های گفتاری ترغیبی	کنش‌های گفتاری اظهاری	مجموع کنش‌های گفتاری
۵۳	۲۰	۳۸	۳۱۵	۴۴۴۵	۵۹۶۰
٪۸۸	٪۳۳	٪۶۳	۵/۳۸	۷۴/۴۱	٪۱۰۰

### اصول ادب

سعدی پیام‌های اخلاقی (بایدها و نبایدها) را به صیغه سوم شخص مفرد با کمال احترام بیان کرده است. سعدی از صیغه دوم شخص مفرد هم زیاد استفاده نموده که به صمیمیت و نزدیکی خود و مخاطب کتاب کمک می‌کند. مفهوم برخی جملات به پادشاه بازمی‌گردد و صراحتاً مخاطب آنها شاه هستند که با ارتباط عمودی میان گوینده و مخاطب، برای حفظ احترام بیان شده است؛ مانند: «هر که بر زبردستان نبخشاید به جور زبردستان گرفتار آید.» (همان: ۱۹۱) گاهی سعدی صراحت بیان زیادی را به کار می‌گیرد و خیلی بی‌تعارف اذعان می‌کند وظیفه اش تذکر و ارشاد بوده و مخاطب چه بپذیرد یا نه به هر حال هر تصمیمی که می‌خواهد بگیرد. اهمیت ندارد، او مأمور و معذور است بر او واجب است که این‌گونه بگوید:

ما نصیحت به جای خود کردیم روزگاری درین به سر بردیم  
گر نیاید به گوش رغبت کس بر رسولان پیام باشد و بس

(باب هشتم: ۱۹۳)

سعدی در کلام خود با وجود مخاطبان متنوع و از هر طبقه و دسته مانند: شاه، درویش، توانگر، پیر، جوان، وزیر، زاهد، دانشمند فاصله خود را با مخاطبانش حفظ نموده است بیان مؤدبانه او که از اثنای شیوه بیان غیر مستقیم سعدی برمی‌آید حکایت از رعایت ادب و احترام او نسبت به هردسته از مخاطبانش است. سعدی در حدود ۷۸٪ درصد از جملات را به این شیوه استفاده کرده که بیانگر نکته یاد شده است. رابطه او بویژه در باب نخست که نام پادشاه بر عنوان حکایت است، رابطه‌ای از نوع عمودی است و از این رو خطاب‌های مؤدبانه را هر جا

که از نام پادشاه یاد می‌کند، به کار می‌گیرد. به کاربردن افعال سوم شخص و روایت‌های تمثیلی کوتاه، بیانگر توجه تمام‌گوینده در متوجه کردن مخاطب و از جمله پادشاه به نتایج سوء رفتارهای ناشایست اخلاقی است که همگی بامعنایی تلویحی ایراد شده‌اند.

### نتیجه

۵۲٪ افعال ربطی در گلستان صریح هستند و از بسامد افعال بر می‌آید که میزان قطعیت متن بالا است و نویسنده از موضع اطمینان سخن می‌گوید و در بیان پیام‌ها و اصول اخلاقی تردیدی ندارد و کاملاً به تحلیل‌های خود پایبند است و ایمان دارد. کاربرد افعال وجهی شناختی قطعی با ۴۲/۸۹ بیانگر بینش و ادراک نویسنده در خصوص مفاهیم و مطالب بیان شده است. جملات هسته‌ای گویای صراحت و بیان مستقیم نویسنده است؛ سعدی جملات خوشه‌ای را کمتر به کار برده، زیرا قصد داشته جملات گویاتر و برای مخاطب قابل فهم‌تر باشند. سعدی در بیان کنش‌ها، خود را درکنار مخاطبش نه رویرو آن‌ها قرار می‌دهد و در نهایت افتادگی و تواضع، به بیان مطالب م‌پردازد. رابطه حاکمیت و محکومیت در جملات او جایگاهی ندارد و ارتباط او با مخاطبش کاملاً از جایگاه یک مشاوره و دوست است. کنش عاطفی، نگرش و احساس سعدی است که ناخواسته در لابه لای جملات آشکار می‌گردد. حالت روانی سعدی درکنش‌های عاطفی آشکار است و برخلاف ظاهر حکایات، درگیری عاطفی سعدی در لابه لای داستان‌ها کاملاً قابل درک گردیده و این یعنی او نه تنها یک نقال و نقش‌آفرین توانا در به‌وجود آوردن نشرها و حکایات است، بلکه یک هم‌درد و دلسوزی است که جملات را به همین منظور آفریده. حدود ۵/۲۸٪ کنش‌های گفتاری او ترغیبی است و مخاطب را برای انجام کار در تکلیف یا اجباری قرار نمی‌دهد. عدم تکلیف یا اجبار مخاطب یعنی آزاد گذاشتن و احترام به او برای اجرای کاری و گرفتن تصمیم. در نهایت سعدی ویژگی مصلحان تندرو و افراطی زمانه را نداشته و مخاطب را در درک مسائل آزاد و رها و مختار می‌گذارد.

## کتابنامه

- ۱- باطنی، محمدرضا (۱۳۶۸)، توصیف ساختمان دستوری زبان فارسی، تهران: علمی و فرهنگی.
- ۲- پهلوان نژاد، محمدرضا و ناصر مهدی، نصرت (۱۳۸۷)، تحلیل متن نامه‌ای از تاریخ بیهقی با رویکرد معناشناسی کاربردینگ دانشکده ادبیات و علوم انسانی تربیت معلم، شماره ۶۲، پاییز ۱۳۸۷.
- ۳- سرل، جان و سیمپسون، پل (۱۹۶۹)، کنش‌های سخنرانی در فلسفه زبان، لندن: دانشگاه کمبریج.
- ۴- سعدی شیرازی، مصلح الدین (۱۳۷۶)، کلیات سعدی، محمد علی فروغی، تهران: امیرکبیر.
- ۵- شمیسا، سیروس (۱۳۸۶): کلیات سبک شناسی، تهران، میترا.
- ۶- فتوحی رودمعجنی، محمود (۱۳۹۰)، سبک شناسی نظریه‌ها، رویکردها و روش‌ها، تهران: سخن.
- ۷- \_\_\_\_\_ (۱۳۸۷)، بیان از زیبایی شناسی سخن پارسی، تهران: مرکز، چ هشتم.
- ۸- \_\_\_\_\_ محمود (۱۳۸۸)، سبک شناسی ادبی سرشت سخن ادبی، برجستگی شخصی سازی زبان، فلسفه زبان و ادب پارسی، شماره ۴۱.
- ۹- قوام، ابوالقاسم و درپر، مریم (۱۳۹۰)، توصیف و تبیین بافتمند سبک‌نامه شماره ۱ غزالی دردو لایه کاربردشناسی و نحو، فصلنامه تخصصی سبک شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب) علمی، پژوهشی، شماره دوم، تابستان ۱۳۹۰، شماره پیاپی ۱۲.
- ۱۰- لیچ، جی.ان (۱۹۸۵)، مسایل اساسی در ساختارگرایی، لندن: لانگمن.
- ۱۱- مقیاسی، حسن، فراهانی، سمیرا (۱۳۹۳) سبک شناسی لایه‌ای در خطبه ۲۷ نهج البلاغه، پژوهش‌نامه نهج البلاغه سال دوم، شماره ۷.
- ۱۲- نامور مطلق، بهمن (۱۳۹۴)، درآمدی بر بینامتنیت نظریه‌ها و کاربردها، تهران: سخن.
- ۳- نجفی، ابوالحسن (۱۳۷۸)، مبانی زبان شناسی و کاربرد آن در زبان فارسی، چ ششم، تهران: نیلوفر.

